



## عنوان مقاله: تحلیل و بررسی برنامه درسی امام صادق (ع)

### پروین سالاری چینه

دکتری برنامه ریزی درسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر کرمان  
[afsanesalari@yahoo.com](mailto:afsanesalari@yahoo.com)

### مژده واحدی

دانشجوی دکتری علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران  
[mozhdehvahedi@yahoo.com](mailto:mozhdehvahedi@yahoo.com)

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، تحلیل و بررسی برنامه درسی امام صادق (ع) تحلیل شده است. با توجه به اینکه سلسله فعالیت‌های برنامه ریزی درسی درماتون مختلف به اشکال متفاوتی بیان شده است یکی از این سلسله فعالیت‌ها (الگوی برنامه ریزی درسی لوی) صرفاً از لحاظ داشتن یک الگو انتخاب شده است. هدف اصلی مقاله، تهیه برنامه درسی امام صادق (ع) و بیان گوشه‌ای از نظرات عالمانه ایشان است. و برای این از روش تحقیق کتابخانه‌ای استفاده شده است.

نتیجه پژوهش حاضر نشان داده است که برنامه درسی امام صادق (ع) شامل مراحل آماده‌سازی رؤس برنامه‌ی درسی (مرحله اول) یعنی هدف‌ها (بیدار نمودن انسان نسبت به توحید)، محتوا (موضوع‌های خداشناسی و شناخت تمامی موجوداتی که برای رسیدن به خداشناسی و حکمت الهی در تیررس معرفت بشری هستند)، انتخاب راهبردهای یاددهی - یادگیری (همان روش تعلیم قرآن است که اول جزئیات را شرح داده و از طریق جزئیات به سوی کلیات رفته و برای این طی طریق، شاگردانش را به مشاهده، تجربه و آزمایش و تامل و بازنگری فرا خوانده) می‌باشد و در مرحله دوم یعنی تهیه و تولید مواد و وسایل آموزشی از لوح و کاغذ استفاده می‌کردند و در مرحله سوم یعنی اجرای برنامه درسی نیز با توجه به تبحر ایشان در تمامی زمینه‌های علمی، زمینه اجرای تمام علوم را ایجاد کرده و با تاسیس مدرسه عالی جعفری بیش از چهار هزار شاگرد را چنان تربیت نمود که تعلیمات ایشان را به همه جای جهان و به همه نسل‌های پس از خود دست به دست بسپارند.

**واژگان کلیدی:** تحلیل و بررسی، برنامه درسی، امام صادق.



#### مقدمه:

امام صادق (ع) علم بشری را محدود به چهار علم دانسته و این چهار علم عبارتند از: اول علم خداشناسی و توحید و مراتب توحید از مبدا تا معاد، دوم علم خودشناسی یا علم النفس برای این که انسان خود را بشناسد و بداند از کجا بوده، از کجا آمده و کجا می خواهد برود و چگونه باید کار کند تا به کمال برسد. سوم علم خلق شناسی که نوع خود را که ناچار است با آنها این سفر را طی کند، بشناسد و ببیند درباره خودشان و او چه فکر می کنند و چگونه عمل می کنند و چگونه سفر تکاملی را طی می کنند. چهارم علم دین است که تکلیف آدمی را در مراحل بالا معین می کند و حدود داور را در قوانین انفرادی و اجتماعی معلوم می سازد. (شیخ مفید به نقل از عماد زاده، 1362، جلد اول: 99).

برنامه درسی لوی (از لحاظ داشتن یک الگو در زمان حال) شامل مراحل آماده سازی رئوس برنامه درسی (هدف ها، محتوا و انتخاب راهبردهای یاددهی - یادگیری)، تهیه و تولید مواد و وسایل آموزشی و به اجرا در آوردن و جایگزین کردن برنامه درسی در قالب نظام آموزشی است، بر اساس تقسیم بندی لوی از برنامه درسی، برنامه درسی امام صادق (ع) در مرحله آماده سازی رئوس برنامه درسی (شامل هدفها، محتوا و انتخاب راهبردهای یاددهی - یادگیری)، تهیه و تولید مواد و وسایل آموزشی و به اجرا در آوردن و جایگزین کردن برنامه درسی، با استفاده از روش تحقیق کتابخانه ای بررسی میشود. امید است این نوشته، مفتاح و کلیدی برای فهم سلسله تعلیمات عالییه امام ششم باشد و به قول عماد زاده به دنیای بی خبر بگوید که ائمه شیعه و مکتب جعفری در 14 قرن پیش، از نظر تعمق علمی نیرومندتر از امروز بوده است.

#### متن اصلی

زندگی نامه امام صادق (ع): امام جعفر محمد بن علی بن الحسین بن علی ابن ابوطالب (ع) امام ششم از ائمه اثنی عشر و یکی از معصومان چهارده گانه در نظر شیعه امامیه است آن حضرت در سال 83 در مدینه به دنیا آمد. مادر ایشان ام فروه دختر قاسم بن محمد ابی بکروپدرشان امام محمد باقر (ع) بود.

لقب ایشان صادق بود. لغت فاعلی از صدق به معنی راستگو، راست، درست و خالص. و به دو دلیل به این لقب شهرت یافته است: 1- بین آن حضرت با یکی از بنی عباس گفتگویی پیش آمد، آن شخص نزاع را به کنار قبر پیامبر کشاند. ناگهان صدایی از قبر شنیده شد که جعفر، صادق است. 2- از ابو خالد کابلی روایت شده که میگوید: به محضر امام سجاد (ع) شرفیاب شدم و عرضه داشتم که خداوند اطاعت از چه کسانی را بعد از رسول خدا واجب نموده است؟ فرمود امیرالمومنین، امام حسن، امام حسین، آنگاه امر امامت به ما رسیده است. عرض کردم سرورم از امیرالمومنین (ع) روایت شده که زمین از حجت خدا خالی نمی ماند. بنابراین حجت و امام بعد از شما کیست؟ فرمود: پسر من محمد و نامش در تورات باقر است. علم را به شایستگی می شکافد و پس از او پسرش جعفر است و نامش نزد اهل آسمان صادق است. پرسیدم چگونه او صادق است در حالیکه همگی شما صادق هستید؟ فرمود پدرم از پدر خود حدیثم داد که رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه پسر من جعفر بن محمد بن علی بن الحسین به دنیا آمد او را صادق بنامید زیرا پنجمین فرزند او که نامش جعفر است به دروغ دعوی امامت خواهد کرد و نزد خداوند جعفر کذاب است. (سیدجوادی، فانی و خرمشاهی، 1383: 59) امام صادق (ع) حدود 12 سال در کنار جدش امام زین العابدین (ع) و 19 سال بعد از رحلت آن حضرت با پدرش امام محمد باقر (ع) به سر برد و بعد از پدر بزرگوارش مدت 34 سال بر مسند امامت مسلمانان بود. فقه شیعه امامیه که به فقه جعفری مشهور است منسوب به حضرت صادق (ع) است. زیرا قسمت عمده احکام فقه اسلامی بر طبق مذهب شیعه امامیه از آن حضرت است و آن اندازه که از آن حضرت نقل شده است از هیچ یک از ائمه (ع) نقل نگردیده است. و دوره ی امامت امام صادق (ع) دوره شکوفایی حدیث و ظهور مباحث و مسائل کلامی مهم در بصره و کوفه بوده است. بر طبق مبانی اعتقادی شیعه امامیه، علوم ائمه اثنی عشری (ع) علم لدنی و از جانب خداست (سید جوادی، فانی و خرمشاهی، 1375: 358). دوره امامت امام صادق



(ع) از طرفی با دوره انتقال سیاسی و در نتیجه فضایی مساعد برای فعالیتهای فرهنگی و از طرف دیگر با عصر تدوین علوم اسلامی مقارن بود.

عصر امامت امام جعفر صادق (ع) عصر برخورد مکتب ها و ایدئولوژی ها و عصر تضاد و افکار فلسفی و کلامی مختلف بود که از برخورد ملت‌های اسلامی با مردم کشورهای فتح شده و نیز روابط مراکز اسلامی با دنیای خارج به وجود آمده و در مسلمانان نیز شور و هیجانی برای فهمیدن و پژوهش پدید آورده بود (احمدی بیرجندی، 1379: 163-158). در این عصر کمترین غفلت و رکود و کوچکترین کم کاری امام (ع) موجب نابودی دین و پوسیدگی تعلیمات اسلام از درون و بیرون می شد و در این زمان امام از یک طرف به فکر نجات افکار توده مسلمانان از بدبینی و کفر و از طرف دیگر مانع انحراف اصول و معارف اسلامی از مسیر راستین بود و همچنین باید با نقشه ای ماهرانه و دقیق شیعه را از اضمحلال و نابودی نجات می داد. امام در ضمن شرایط دشواری، به احیا و بازسازی معارف اسلامی پرداخت و مکتب علمی عظیمی را به وجود آورد که محصول و بازده آن چهار هزار شاگرد متخصص همانند هشام، محمد بن مسلم و جابر حنفی و ... در رشته های گوناگون علمی بود امام (ع) قیام خود را در لباس تدریس و تاسیس مکتب و انسان سازی انجام داد بدین ترتیب جهادی راستین کرد (احمدی بیرجندی، 1379). امام صادق (ع) سه زن عقدی و 6 پسر و یک دختر داشته و در فضیلت اخلاقی ایشان همین بس که در میان 4000 نفر از شاگردانش حتی یک نفر از ایشان انتقاد نکرد و این بزرگترین موهبت الهی است (فرهنگ خواه، 1359).

**آثار امام صادق (ع):** در رابطه با آثار امام صادق (ع) باید گفت که غالب آثار امام (ع) تالیف مستقیم خود ایشان نیست و غالباً املائی امام (ع) یا بازنوشت بعدی مجالس ایشان است بعضی از آثار نیز منسوب است و قطعی نیست. 1) از آثار مکتوب امام صادق (ع) رساله عبدالله نجاشی است 2- رساله ای که شیخ صدوق در خصال و به واسطه اعمش از حضرت کرده است، شامل مباحثی در فقه و کلام. 3- کتاب معروف به توحید مفضل در مباحث خداشناسی است که املاء امام (ع) و نوشته مفضل بن عمر جعفری (ع) است. 4- کتاب الاهلیجه که آن نیز همانند توحید مفضل است و نوشته مفضل بن عمر جعفری است. 5- مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه که منسوب به امام صادق (ع) است و بعضی آن را از ناحیه حضرت رد کرده اند. 6- رساله ای از امام (ع) خطاب به اصحاب است. 7- رساله ای در باب غنائم و واجب بودن خمس است 8- بعضی رساله ها که جابر بن حیان کوفی از امام (ع) نقل کرده است 9- کلمات قصار که بعدها به آن نثر الدرر نام داده اند 10- چندین فقره از وصایای حضرت خطاب به فرزندش امام موسی کاظم (ع) و چند نفر دیگر است (سید جواد، فانی و خرمشاهی، 1375: 359).

امام صادق (ع) 4000 شاگرد تربیت کردند از جمله در مناظره و کلام شاگردانی همچون مفضل، هشام بن حکم، مومن طاق، حمزه طیار، همچنین در فقه 123 تن، در تفسیر (5 تن)، در علوم پایه جابر بن حیان (با 500 رساله) و در علوم جغرافیا، فلسفه، تاریخ، گیاه شناسی، پزشکی و علوم قرآنی نیز شاگردانی داشته اند (نجفی نیشابوری، 1385).  
و سرانجام در شوال سال 148 هجری پس از 65-68 سال زندگی بدست ابو جعفر منصور دوانیقی مسموم گردید. مدفن ایشان در بقیع در کنار پدر بزرگوار و عم بزرگش امام حسن (ع) می باشد.

#### آموزش در مکتب امام صادق (ع)

مکتب امام صادق (ع) اولین مکتب مذهبی است که در آن، علوم فیزیک و شیمی و نجوم و چاپ و هندسه و طب و مکانیک و فلسفه تدریس می شد در صورتی که در مدارس مذهبی مسیحی در سراسر قرون وسطی این علوم تدریس نمی گردید و تدریس فلسفه را در مدارس مذهبی مسیحی زبان بخش می دانستند و تنها علمی که در این مدارس تدریس می شد علم حقوق یا حقوق مذهبی بود. ولی امام صادق (ع) خود این علوم را تدریس می کرد و از تدریس فلسفه هم خودداری نمی کرد.

امام صادق در بین پیشوایان اسلامی اولین کسی است که در صدد برآمد خداوند را به وسیله علم به مسلمین بشناساند او برای شناساندن خداوند به مردم فقط به احکام دین اکتفا نکرد بلکه کاملاً کوشید تا عرصه علم را به مردم نشان دهد تا این که دانستی های مسلمین راجع به جهانی که در آن زندگی می کنند بیشتر بشود و با شناختن بدایع جهان به وجود آفریننده ای دانا که جهان



را به وجود آورده و با قوانین ثابت جهان را اداره می نماید پی ببرند (مرکز مطالعات اسلامی استرانبورگ، ترجمه منصوری، 1360 : 276-65). در مکتب امام صادق (ع) علوم ریاضی، فلکی - طبیعی و مکانیکی تدریس می شد اما مدرسه جعفری برای تدریس این علوم گشوده نشد بلکه برای انتشار معارف دین در سایه توحید بود (عماد زاده، 1362: 255) از امام صادق (ع) پرسیدند بین علوم متعدد کدام یک از آنها بر دیگری ترجیح دارد؟ فرمودند: از لحاظ کلی، هیچ علمی بر علوم دیگر مرجح نیست لیکن موارد استفاده از علوم فرق می کند و در نتیجه آدمی بایستی از بعضی علوم زودتر و بیشتر استفاده نماید و دو علم که در زندگی آدمی بیشتر مورد نیاز است علم دین و علم پزشکی است و روزی خواهد آمد که انسان از علوم دیگر که اکنون استفاده نمی شود، بهره بگیرد و محال است یک علم، فایده علمی نداشته باشد.

**تقسیم بندی علوم: الهی، طبیعی، ریاضی:** امام صادق (ع) علوم را به سه دسته تقسیم کرده و برنامه درسی خود را اجرا کرده اند: 1- علوم بشری که به وسیله فنون مادی مانند علوم طبیعی که بدون دیدن و تجزیه و تحلیل کردن ثابت نمی شود تدریس و تعلیم می شود اینها را علم اسفل گویند 2- علمی که مطلقا به ماده و فنون قابل اشاره حسیه ربطی ندارد مانند حکمت الهی که فقط به تصورات عقلی و حواس باطنی درک و تحلیل می شوند اینها را علم اعلی می گویند 3- علمی که مقداری از آن به وسیله ماده و حواس درک می شوند و مقداری به تصور و ادراکات عقلی تحلیل می گردد و اینها را علم اوسط گویند و تمام علوم ذیل سه رشته طبیعی، الهی، و ریاضی قرار دارند (عماد زاده، 1362: 363).

**مقوله تفکر و اندیشه:** ایشان شاگردش مفضل را به تامل در درک حکمتها و ادار میگرد تا در او تواضع و تعبد که هدف اصلی خلقت انسان است ایجاد کند. پس رسیدن به تعبد، ناشی از معرفت به حکمت است. مثلا برای تامل در ماهی می فرماید ای مفضل درباره ماهی تفکر کن و دقت کن (مفضل را به تفکر و دقت دعوت می کند) که خداوند عالم این ماهی را به چه نحو در آب مسکن داده است (تامل در مکان ماهی) این حیوان پا ندارد زیرا به راه رفتن محتاج نیست همیشه در غواصی است و خداوند به او شش نداده است زیرا نمی تواند نفس بکشد و به جای دو پا دو بال به او داده که با آن حرکت کند، چشم او را فلس های محکم پوشانیده که در میان یکدیگر داخل شده مانند حلقه های ذره، برای آنکه از آفتهای داخل آب حفظ کند و شامه ای قوی دارد که بوی طعمه خود را از مسافت دور آب می شنود و از دهان ماهی به گوشه های او منذهایی است که دهان را از آب پر می کند و از گوش بیرون می دهد و بدین وسیله حس و حرکت و استراحت می نماید و فرمود در نسل ماهی نظر کن که در جوف هر ماهی تخم های بسیاری است که شمارش و احصا نمی شود کرد و خداوند تعالی آن قدر تخم در این حیوان قرار داده که به قدر کافی برای همه طبقات انسان و حیوان موجود باشد (تامل در کمیت، کیفیت، آثار و حیات ماهی و تفاوت ماهی با سایر حشرات) (ترجمه علامه مجلسی به نقل از سید فاطمی، 1361: 76). پس ایشان با وارد کردن شاگردانش به تامل، آنها را همیشه فعال نگه می داشته و به تفکر وادار می کرده است و رابطه ایشان با شاگردانش رابطه استاد با فکر شاگرد است نه با حرف زدن و سخنرانی کردن صرف.

**نیاز به علم:** از امام صادق (ع) پرسیدند: چه موقع انسان از علم غنی می شود؟ فرمودند: اگر انسان هزارها سال عمر کند و پیوسته مشغول تحصیل باشد تمام یافتنی ها را فرا نخواهد گرفت. بنابراین هرگز زمانی نمی رسد که یک نفر بتواند احساس کند از علم غنی است. فقط آنهایی احساس می کنند از علم بی نیازند که جاهل باشند (نجفی نیشابوری، 1385). امام صادق (ع) علم بشری را محدود به چهار علم دانسته و این چهار علم عبارتند از 1- علم خدانشناسی و توحید و مراتب توحید از مبدا تا معاد 2- علم خودشناسی یا علم النفس که از طریق آن انسان خود را می شناسد و می داند از کجا بوده، از کجا آمده و کجا می خواهد برود و چگونه باید کار کند تا به کمال برسد. 3- علم خلق شناسی که نوع خود را (انسان) که ناچار است با آنها این سفر را طی کند می شناسد و می بیند درباره خودشان و او چه فکر می کنند و چگونه عمل می کنند و چگونه سفر تکاملی را طی می کنند. 4- علم دین که تکلیف آدمی را در مراحل بالا معین می کند و حدود داور را در قوانین انفرادی و اجتماعی معلوم می سازد (شیخ مفید به نقل از عماد زاده، 1362، جلد اول: 99).



**زمان ومكان:** امام صادق (ع) در رابطه با زمان و مکان و شب و روز نیز نظریه ای داشته که با نظریه معاصر درباره زمان ومكان صدق می کند و در حقیقت غیر از نظریات زمان خود است. امام (ع) می فرماید زمان به ذات وجود ندارد و فقط بر اثر احساسات ما برای ما دارای موجودیت می شود، زمان برای ما عبارت است از فاصله بین دو واقعه روز و شب. بنا بر نظریه ایشان شاخص اندازه گیری زمان نیست و چیزی غیر از زمان است و روز و شب، برای ما مدت ثابتی ندارد و گاهی روز بلند می شود و شب کوتاه و زمانی شب بلند می گردد و روز کوتاه می شود و گاهی تساوی شب و روز را احساس می کنیم. نظریه اش راجع به مکان این بود که مکان تبعی است نه ذاتی ولی در نظر ما به شکل فضایی که طول و عرض و ارتفاع دارد جلوه می نماید و این موجودیت تبعی در دوره های عمر فرق می کند. مثلا کودکی که در یک خانه کوچک زندگی می کند آن را بسیار بزرگ می بیند و همین کودک بیست سال بعد آن حیاط را بسیار کوچک می بیند (مرکز مطالعات اسلامی استرانبورگ، ترجمه منصوری، 1360 : 276-65).

#### پیدایش جهان

امام صادق (ع) فرمود: جهان از یک جرثومه بوجود آمد و آن جرثومه با دو قطب متضاد سبب پیدایش ذره گردید سپس ماده بوجود آمد و ماده تنوع پیدا کرد و تنوع ماده ناشی از کمی یا زیادی ذرات آنها می باشد. این تئوری با تئوری اتمی راجع به پیدایش جهان که امروزه دانشمندان به آن معتقدند هیچ تفاوتی ندارد. دو قطب متضاد، در شارژ مثبت و منفی درون اتم است و آن دو شارژ، سبب تکوین اتم گردیده و اتم هم ماده را به وجود آورده و تفاوتی که بین عناصر دیده می شود ناشی از کمی یا زیادی چیزهایی است که درون اتم عناصر موجود می باشد (نجفی نیشابوری، 1385).

**فیزیک:** امام صادق (ع) فیزیک را در محضر پدر آموخت. روزی در محضر پدرش (استاد امام محمد باقر(ع)) به این قسمت از فیزیک ارسطو رسید که در جهان بیش از چهار عنصر وجود ندارد که عبارتند از: آب، خاک، باد و آتش. امام صادق (ع) ایراد گرفت و گفت: حیرت می کنم مردی مانند ارسطو چگونه متوجه نشده خاک یک عنصر نیست بلکه در خاک عناصر متعدد وجود دارد و هر یک از فلزات که در خاک می باشد یک عنصر جداگانه به شمار می رود. بعد از این در زمانی که خود امام صادق (ع) استاد بود گفت که باد هم یک عنصر نیست و متشکل از چندین عنصر دیگر است و با عقیده ای که هزار سال از قدمت آن می گذشت مخالفت کرد. و این عقیده غلط تا قرن هیجدهم میلادی که لاوزیه اکسیژن را از سایر گاز هایی که در هوا است جدا کرد وجود داشت (مرکز مطالعات اسلامی استرانبورگ، ترجمه منصوری، 1360). براین مگی مینویسد قبل از ارسطو، امپدوکلس این مساله را که هر چیز از چهار عنصر (خاک، آب، آتش، هوا) آفریده شده است را بیان کرده بود (براین مگی، ترجمه کامشاد، 1389: 18).

در حالیکه جعفر صادق (ع) اولین کسی بود که عقیده به عناصر اربعه را که غیر قابل تزلزل به نظر می رسید را متزلزل کرد و اول کسی بود که پی برد اکسیژن مولد الحموضه می باشد.

امام محمد باقر (ع) نیز قبل از ایشان گفته بود که با کمک علم و به وسیله آب می توان آتش افروخت تاکید بر همین موضوع است که امام صادق اکسیژن را به طور غیر خالص کشف نمود و دلیل بر این موضوع کارهای شیمیایی وی می باشد که گفت اکسیژن در تغییر اشیا با واسطه و بدون واسطه موثر است و زمانی که به طور مستقیم با فلزات ترکیب می شود به اصطلاح آنها را اکسیده می کند و بدون واسطه آنها را تغییر می دهد. اما بشر هزار سال صبر کرد تا لاوزیه بگوید که اکسیژن از حیث وزن هشت نهم آب است و از هر 9 کیلوگرم آب از حیث وزن هشت کیلوگرم آن اکسیژن می باشد ولی از حیث حجم در آب، هیدروژن دو برابر اکسیژن است (مرکز مطالعات اسلامی استرانبورگ، ترجمه منصوری، 1360 : 276-65).

**علم طب:** امام صادق (ع) علم طب را درس می داد و نظریه های علمی ایشان روی علم طب اثر گذاشت به طوری که پزشکان در قرن دوم و سوم هجری از نظریه های طبیبی جعفر صادق (ع) استفاده می کردند، به طور مثال یکی از نظریه های طبیبی ایشان این بود که بعضی از اوقات علائم ظاهری بدن نشان می دهد بیمار فوت کرده است در صورتی که وی حیات دارد و اگر خراشی بر بدن او وارد آورند به طوری که خون جاری شود بخصوص اگر بین دو انگشت دست باشد شاید زنده بشود. (مرکز مطالعات اسلامی استرانبورگ، ترجمه منصوری، 1360 : 276-65).



**شناخت خدا:** امام صادق در بین پیشوایان اسلامی اولین کسی است که در صدد برآمد خداوند را به وسیله علم به مسلمین بشناساند او برای شناسانیدن خداوند به مردم فقط به احکام دین اکتفا نکرد بلکه کاملا کوشید تا عرصه علم را به مردم نشان دهد تا این که دانستنی های مسلمین راجع به جهانی که در آن زندگی می کنند بیشتر بشود و با شناختن بدایع جهان به وجود آفریننده ای دانا که جهان را به وجود آورده و با قوانین ثابتی جهان را اداره می نماید پی ببرند (مرکز مطالعات اسلامی استرانبورگ، ترجمه منصور، 1360 : 276-65).

**رابطه نور و اشیا:** یکی دیگر از بدایع علمی امام صادق (ع) نظریه او راجع به نور می باشد ایشان گفته است که نور از طرف اشیا به سوی چشم ما می آید و از آن نور که از طرف اشیا به سوی چشم ما می آید فقط قسمتی به چشم ما می تابد و به همین جهت ما اشیا را به خوبی نمی بینیم و اگر تمام نوری که از یک شی دور به سوی چشم ما می آید به دیده برسد ما شیء دور را نزدیک خواهیم دید و اگر بتوان چیزی ساخت که به وسیله آن تمام نوری را که از یک شی دور می آید به چشم تابانید، در صحرا شتری را که در فاصله سه هزار ذرع می چرد در فاصله شصت ذرعی خواهیم دید یعنی پنجاه بار آن را نزدیکتر می بینیم. این تئوری به وسیله شاگردان امام به اطراف رفت و بعد از جنگهای صلیبی که تماس میان شرق و اروپا زیاد شد راجر بیکون انگلیسی تئوری راجع به نور دارد که مانند تئوری امام صادق (ع) بود و همین نظر سبب شد که فلاماندی اولین دوربین را در سال 1608 میلادی اختراع کند. امام صادق (ع) گفت برای اینکه بتوان چیزی را دید باید آن شی روشن باشد و اگر خود روشن نیست باید یک شی نورانی بر آن بتابد و آن را روشن کند تا بتوان آن را دید و با این نظریه، نظریات قبلی را رد کرد و علاوه بر این در مورد سرعت نور نیز نظریه ای را ابراز کرد مبنی بر اینکه سرعت نور که به طرف چشم ما می آید فوری است و از انواع حرکات است و به عبارت دیگر گفت که نور حرکت است و در روایتی نقل است که روزی در محضر درس خود گفت نور قوی می تواند اجسام سنگین را به حرکت در آورد و نوری که در طور سینا بر موسی آشکار گردید از نورهایی بود که اگر مشیت خداند تعلق می گرفت کوه را به حرکت در می آورد و شاید بتوان فکر کرد که با این روایت، اساس تئوری لیزر را پیشگویی کرده است (مرکز مطالعات اسلامی استرانبورگ، ترجمه منصور، 1360 : 276-65).

**ستارگان نورانی:** امام صادق (ع) راجع به نور ستارگان نیز اظهار کرده اند که در بین ستارگان آسمان ستارگانی هستند که خورشید در قبال آنها تقریبا بی نور است و امروز که دوازده و نیم قرن از آن زمان می گذرد ثابت شده که آن مرد بزرگ درست گفته و در جهان ستارگانی است که خورشید در قبال نور آنها یک ستاره خاموش به شمار می آید و این ستارگان نورانی به اسم کوآزر خوانده می شود و فاصله آنها تا زمین نه میلیارد سال نوری است.

**محیط زیست:** امام (ع) درباره محیط اطرافمان می فرماید آدمی باید طوری زندگی کند که پیرامون خود را آلوده نکند زیرا اگر آلوده نماید روزی می آید که زندگی بر او دشوار و شاید غیر ممکن می شود همان طور که می دانیم زمان ایشان کارخانه ای نبود که محیط را آلوده کند و مساله آلودگر از زمانی شروع شد که اولین بمب اتمی منفجر گردید و در منطقه انفجار، جو را آلوده کرد و ایشان این موضوع را پیشگویی کرد و خواست به این مساله توجه شود و می بینیم که این موضوع در اقوام آریایی به صورت یکی از اصول مذهبشان بوده است.

**حرکت اشیا و موجودات:** امام (ع) می فرماید تمام موجودات حرکت دارند و اگر لحظه ای حرکت متوقف گردد انسان می میرد این گفته در دوره ایشان غیر قابل قبول جلوه می کرد اما امروز حقیقتی است غیر قابل تردید و در جهان جسمی وجود ندارد که حرکت نداشته باشد حتی جامدات نیز حرکت دارند و در هر جسم جامدی دو نوع حرکت دائمی وجود دارد: اول حرکتی که درون اتم است و دوم ارتعاشات دائمی مولکول است.

**توصیه به مادران:** امام (ع) در توصیه ای به مادران می فرماید کودکان شیرخوار را در طرف چپ خود بخوابانند و این نظریه در آن زمان همچون یک سفارش زائد یا بی مورد جلوه می کرد، اما اکنون با توجه به تحقیقاتی که در دانشگاه کورفیل در نیویورک انجام شده



به این نتیجه رسیده اند که نوزاد اگر در طرف چپ مادر بخوابد به دلیل شنیدن صدای قلب مادر و به دلیل اینکه در دروه جنینی به این صدا عادات کرده در آرامش بیشتری به سر می برد و اشتهاى بیشتری به خوردن غذا دارد و راحت تر می خوابد. سرایت بیماری؛ ایشان راجع به علل بعضی از بیماریها می فرماید روشنائی هائی است که اگر از یک بیمار به یک شخص سالم بتابد ممکن است آن شخص سالم را بیمار کند و این غیر از میکروب و ویروس و تماس فرد بیمار و سالم است. البته در آن زمان این نظریه را در اعداد خرافات به شمار می آوردند ولی تحقیقات علمی جدید ثابت کرده است که این نظریه حقیقت دارد و بعضی از انوار اگر از بیمار به سوی فرد سالم برود او را بیمار می کند و اولین مرتبه در اتحاد جماهیر شوروی در شهر نوو-وو-سیبوسک به این واقعیت پی بردند.

**فلسفه مرگ:** امام جعفر صادق (ع) در خصوص مرگ گفته است مرگ آدمی از روی مصلحت است و اگر مرگ نباشد نوع بشر منقرض خواهد گردید و من به دانشمندان آینده توصیه می کنم که در صدد بر نیابند مرگ را از بین ببرند زیرا اگر مرگ از بین برود نوع بشر معدوم می گردد و به ابوشاکر می فرماید اگر انسان بداند که نمی میرد ستمگران درصدد بر می آیند اموال دیگران را تصاحب کنند تا در زندگی نامحدود خود پیوسته ثروت داشته باشند. اگر مرگ نباشد زندگی لذتبخش نخواهد بود و در قلب آدم ذره ای ترحم حتی نسبت به فرزندش نخواهد بود چرا که والدین به فرزندشان ترحم می کنند چون می دانند که می میمیرند و آن فرزند یادگار آنها خواهد بود و زندگی والدین خود را ادامه می دهد و اگر مرگ نبود مردم از خدا نمی ترسیدند و روز معاد وجود نداشت و اگر مرگ نبود شماره نفوس آدمی آن قدر زیاد می شد که نوع بشر نه فقط تمام جانوران را می خورد بلکه هم نوع خود را نیز می خورد.

#### یافته ها

**برنامه ریزی درسی در مکتب امام صادق (ع):** لوی (1383) برنامه ریزی درسی را شامل سلسله فعالیت هایی به این شرح می داند: آماده سازی رئوس برنامه ی درسی، تهیه و تولید مواد و وسایل آموزشی و به اجرا در آوردن و جایگزین کردن برنامه درسی در قالب نظام آموزشی.

وظایف عمده ای در هر مرحله باید انجام گیرد از جمله در مرحله آماده سازی رئوس برنامه درسی، فعالیت های مشخص کردن هدف های برنامه درسی، انتخاب محتوای برنامه ی درسی و انتخاب راهبردهای یاددهی - یادگیری انجام می شود و در مرحله تهیه و تدوین مواد و وسایل آموزشی فعالیت های تهیه و سازماندهی و ارزیابی تکوینی مواد و وسایل آموزشی انجام می شود و در مرحله اجرای برنامه ی درسی جدید، فعالیت های ایجاد شرایط اجرای برنامه ی درسی و نظارت و بازنگری انجام می شود.

حال اگر بخواهیم صرفاً از لحاظ داشتن یک الگو این سلسله فعالیت ها را انتخاب کنیم. و بر این اساس برنامه درسی دانشگاه امام جعفر صادق (ع) را تنظیم کنیم. باید ابتدا مشخص کرد که رئوس برنامه درسی ایشان چه بوده است و یا به عبارت دیگر هدف ها و محتوا و روش درسی ایشان به چه شکل بوده است؟

**- اهداف درسی امام جعفر صادق (ع):** برنامه درسی امام جعفر صادق دقیقاً بر محور توحید بنا گردیده اهداف و محتوا و روش تدریس، همه جنبه توحیدی دارند.

هدف دانشگاه امام صادق (ع) بیدار نمودن انسان نسبت به توحید است. عمادزاده (1362) می نویسد «تعلیم و تربیت مذهب و منزه مدرسه جعفری، مردم را به معنویت کامل رسانید حضرت امام جعفر صادق (ع) می خواست با این برنامه، انسان مادی را مودب کند تا در سایه پروردگار با هم زندگی کنند و انسان معنوی را به کمال فضیلت خود برساند. بنابراین سعادت دین و دنیا یکی از اهداف برنامه درسی امام صادق (ع) است زیرا هر استعداد لایق و ذهن وقتاد و نقاد و حاذقی که طبق برنامه امام صادق (ع) عمل کند دقیقاً به سعادت دین و دنیا می رسد و درهای سعادت را از روی منطق و روانشناسی و علم النفس به سوی ملت خود باز می کند.



هدف دیگر مکتب امام صادق (ع) بیان آفرینش آدمی است که چگونه ترکیب یافته و خلق شده است و این نیز برای شناخت پروردگار است. عماد زاده در این باره به نقل از امام صادق (ع) بیان کرده است که هر کس بخواهد خود را بشناسد باید طبایع اربعه را بشناسد و بداند که آدمی از چهار طبیعت و چهار اصل و چهار رکن خلق شده است که این چهار طبیعت، طبیعت دم، بلغم، باد و صفرا یا سودا است. (عمادزاده، 1362؛ جلد سوم)

ردتصوف و رهبانیت، نیز از اهداف امام بود، امام با پوشیدن لباسهای معمول جامعه که گاهی لباسهای فاخری نیز بودند و با کار کردن در مزارع و مبادرت به کشت و کار و یا مناظره با جماعت صوفی ها در رد تصوف و رهبانیت می کوشیدند (حسینی میرصفی، 1383).

هدف دیگر مکتب امام صادق (ع) آموزش فروع دین بود، عصر پیغمبر اسلام یعنی قرن اول، عصر تعلیم اصول عقاید و تشریح قواعد توحید بود. پیغمبر در مدت 23 سال مبانی دین را به مردم آموخت و قرآن را بر اساس کلیه اصول و فروع علوم به مردم تعلیم داد و آنچه به مردم آموخت دو قسمت بود؛ یکی اصول دین و عقاید که کاملاً تشریح و توضیح داد و پایه ی آن را بر اساس عقل و علم و استدلال تحکیم فرمود و قسمتی از آن را شخصاً عمل کرد و فرمود چنین عمل کنید که من عمل کرده ام. و چون پس از پیغمبر اصحاب سقیفه بن ساعده، اخباری را برای حکومت خود جعل می کردند و مسلمین را منحرف می کردند مسائل فروع دین آنچنان که باید و شاید توضیح داده نشده بود و از طرفی ائمه اثنی عشر باید بیابند که فروع دین را به مردم بیاموزند. در حدود یک قرن یعنی از رحلت رسول خدا (ص) تا ظهور امام باقر (ع) انقلابات داخلی خاورمیانه و عرب و خونخواهی، خونریزی و کشته شدن، مانع از آرامش و تشریح فروع دین بودند لذا یک قرن تعلیم فروع دین عقب افتاده بود تا اینکه امام باقر (ع) از فرصت استفاده کرد و یک مدرسه عالی را پایه گذاری کرد و بعد از ایشان نیز امام صادق (ع) این برنامه را ادامه داد. (عمادزاده، 1362: 256، جلد سوم)

یکی دیگر از اهداف برنامه ی درسی امام صادق (ع) شناساندن حکمتهای الهی است چرا که ایشان به طور مثال در درس توحید که به مفضل داده می فرماید: ای مفضل امروز از آفرینش حیوانات سخن می گوئیم تا غرایب حکمتهای الهی بر تو ظاهر شود.

به طور کلی هدف مقدس امام صادق (ع) عالی تر از علم است و آن این است که نتیجه اش تهذیب اخلاق عمومی است و جز به وسیله دین و علم میسر نمی شود امام صادق (ع) به تمام علوم واقف بوده و هیچ علمی از نظر او پوشیده و پنهان نبوده است و تمام علوم و فنون به طریقه توحید تدریس می شده است.

محتوای درسی امام صادق (ع): امام صادق (ع) فرمود اگر مردم، اهمیت و ارزش خدانشناسی را می شناختند چشم از آثار او بر نمی داشتند و اگر مردم فضیلت توحید را در می یافتند از این زندگی دنیا چشم می پوشیدند و دنیا با تمام متاع و هستیش در نظر آنها کوچک می نمود آن قدر که برای آن قدمی بر نمی داشتند و تمام نعم دنیا را به یک لحظه معرفت خدا مقابله نمی کردند. (عماد زاده، 1363: 255، جلد اول)

موضوع درس امام صادق (ع) توحید بود. ایشان سازمان یک مورچه و طریقه زندگانی آنها را و خواص حیوانات درنده و اهلی و عادات و آداب طبیعی زندگی آنها را بیان فرمود و همچنین نباتات و گلها و سنگها و معادن و خواص هر کدام را بیان فرمود، انسان و ساختمان وجود آدم را از نطفه تا تکامل جسم و جان تا عقل فعال را یکی یکی بیان فرمود و مردم را به خدا و آثار صنع الهی آشنا ساخت. و همه اینها را مولود خدانشناسی قرار داد. (عمادزاده، 1363، جلد اول).

در تعلیم و تربیت امام جعفر صادق (ع) اصول و فروع در ضمن مباحث قضائی و علمی و موعظه تدریس شده است و ایشان مسائل اخلاقی و تهذیب نفس را تعلیم داده است و در ضمن کلمات پراکنده آن حضرت ملاحظه می شود که زندگی اجتماعی را به عناوین مختلف آموخته است (عماد زاده، 1362: 256).





به طور کلی محتوای برنامه درسی حضرت امام جعفر صادق (ع) شناخت تمامی موجوداتی که در تیررس معرفت بشری هستند موضوع هایی مثل آسمان، ستارگان، فلک دوّار، لیل و نهار، عناصر چهارگانه، باران، سنگها، کوهها و معادن، نباتات، حیوانات، انسانها، باد، زلزله، ابر، طلوع و غروب و انواع پدیده ها بود.

مکتب امام صادق (ع) اولین مکتب مذهبی است که در آن، علوم فیزیک و شیمی و نجوم و چاپ و هندسه و طب و مکانیک و فلسفه تدریس می شد در صورتی که در مدارس مذهبی مسیحی در سراسر قرون وسطی این علوم تدریس نمی گردید و تدریس فلسفه را در مدارس مذهبی مسیحی زبان بخش می دانستند و تنها علمی که در این مدارس تدریس می شد علم حقوق یا حقوق مذهبی بود. ولی امام صادق (ع) خود این علوم را تدریس می کرد و از تدریس فلسفه هم خودداری نمی کرد.

امام صادق در بین پیشوایان اسلامی اولین کسی است که در صدد برآمد خداوند را به وسیله علم به مسلمین بشناساند او برای شناسانیدن خداوند به مردم فقط به احکام دین اکتفا نکرد بلکه کوشید تا عرصه علم را به مردم نشان دهد تا این که دانستنی های مسلمین راجع به جهانی که در آن زندگی می کنند بیشتر بشود و با شناختن بدایع جهان به وجود آفریننده ای دانا که جهان را به وجود آورده و با قوانین ثابتی جهان را اداره می نماید پی ببرند. (مرکز مطالعات اسلامی استرانبورگ، ترجمه منصوری، 1360: 276-65).

در مکتب امام صادق (ع) علوم ریاضی، فلکی- طبیعی و مکانیکی تدریس می شد اما مدرسه جعفری برای تدریس این علوم گشوده نشد بلکه برای انتشار معارف دین در سایه توحید بود ( عماد زاده، 1362).

روش تدریس امام صادق (ع): سبک درس توحید در مکتب امام جعفر صادق (ع) همان روش تنظیم قرآن است که اکثریت بشر به سادگی در آن توجه می کنند و درک می نمایند و قبول می کنند. امام برای تدریس به مفضل اینگونه تعلیم فرمود، که اول در نباتات و گیاه شناسی و جمادات و جواهر و معادن شناسی و حیوانات و جانور شناسی تامل کند تا برسد به انسان و علم تکامل که از تکون نطفه و قوای ظاهری و باطنی اوست و سپس به آثار نفسانی و بقاء نفس و وجدانیات و نفسانیات و آثار روحانی برسد و بعد از آن به چگونگی طریق تکامل جسم و روح و روان و رسیدن به مراتب عالیه اخروی بپردازد و جزئیات را به صورت تفکر و اندیشه و تدبیر بیاموزد و در آخر اینکه این همه آثار را نمی توان بدون موثر شناخت و این نظم و تربیت بدون مدبر و حکیم خالق دانای توانا نمی توان شناخت (عمادزاده، 1362، جلد اول).

که این همه نشان می دهد روش تدریس امام جعفر صادق (ع) روش استقرایی بوده نه روش قیاسی و برای تعلیم از جرئیات به سوی کلیات بر اساس مشاهده و تجربه و آزمایش پیش رفته است.

امام صادق (ع) خطاب به جابر می فرماید «ملاک حقیقت شیوه عمل است اگر کسی وارد عمل شود و آن را آزمایش نکند موفق نخواهد شد. (الحیاه، 1384)

حضرت صادق (ع) می فرمودند که با دسترسی به منبع علم، دیگر حاجتی به قیاس نیست و چه بسا که قیاس خطا کند و قیاس کننده را در خطا و ضلالت افکند (سید جوادی، فانی و خرمشاهی، 1375: 359)

ایشان شاگردش مفضل را به تامل در درک حکمتها و ادار میکند تا در او تواضع و تعبد که هدف اصلی خلقت انسان است ایجاد کند. پس رسیدن به تعبد ناشی از معرفت به حکمت است.

مثلا برای تامل در ماهی می فرماید ای مفضل درباره ماهی تفکر کن و دقت کن (مفضل را به تفکر و دقت دعوت می کند) که خداوند عالم این ماهی را به چه نحو در آب مسکن داده است (تامل در مکان ماهی) این حیوان پا ندارد زیرا به راه رفتن محتاج نیست همیشه در غواصی است و خداوند به او شش نداده است زیرا نمی تواند نفس بکشد و به جای دو پا دو بال به او داده که با آن حرکت کند، چشم او را فلس های محکم پوشانیده که در میان یکدیگر داخل شده مانند حلقه های ذره، برای آنکه از آفتهای داخل آب حفظ کند و شامه ای قوی دارد که بوی طعمه خود را از مسافت دور آب می شنود و از دهان ماهی به گوشهای او و منفذهایی



است که دهان را از آب پر می کند و از گوش بیرون می دهد و بدین وسیله حس و حرکت و استراحت می نماید و فرمود در نسل ماهی نظر کن که در جوف هر ماهی تخم های بسیاری است که شمارش و احصا نمی شود کرد و خداوند تعالی آن قدر تخم در این حیوان قرار داده که به قدر کافی برای همه طبقات انسان و حیوان موجود باشد (تامل در کمیت، کیفیت، آثار و حیات ماهی و تفاوت ماهی با سایر حشرات). (ترجمه علامه مجلسی به نقل از سید فاطمی، 1361: 76).

پس ایشان با وارد کردن شاگردانش به تامل، آنها را همیشه فعال نگه می داشته و به تفکر وادار می کرده است و رابطه ایشان با شاگردانش رابطه استاد با فکر شاگرد است نه با حرف زدن و سخنرانی کردن صرف.

از طرف دیگر ایشان روش بحث گروهی و مناظره را نیز تاکید و توصیه می کردند به طوری که می فرمایند: «دور هم بنشینید، پاک دل و پاک زبان و با امانت و به درستی سخنان ما را با هم در میان نهد مناظره و مباحثه و گفتگو کنید، به هم بیاموزید، نسل به نسل به دست هم بدهید که ما این مجالس را بسیار دوست می داریم.» (عماد زاده، 1362 : 188).

به طور کلی امام صادق یک دانشمند تجربی و اولین کسی است که در اسلام، تئوری را با عمل توأم کرد و یک نظریه فیزیکی و شیمیایی را نمی پذیرفت مگر اینکه خود او، از راه آزمایش، به صحت آن نظریه پی برده باشد (مرکز مطالعات اسلام استرانبورگ، ترجمه منصوری، 1360: 68)

**تهیه و تولید مواد و وسایل آموزشی در مکتب امام صادق (ع) :** در مکتب امام صادق و پدرشان امام محمد باقر (ع) شاگردان آنچه استاد می گفت در لوح می نوشتند و بعد آن را روی کاغذ پاک نویس می کردند. در تهیه و تدوین مواد و وسایل آموزشی امام صادق (ع) علوم را که می دانست به دیگران می آموخت بدون اینکه پیشیزی از کسی دستمزد بگیرد و از اموال خود به کسانی که در محضر ایشان درس می خواندند و می دانست که احتیاج دارند بذل می نمود و با پول خود کتاب خریداری می کرد و در دسترس شاگردانش می گذاشت و وقتی نسخه کتابی منحصر به فرد بود و تمام شاگردانش بایستی آن را می خواندند به چند کاتب اجرت می دادند تا این که کتاب را در چند نسخه بنویسند و کتابهایی را که نیاز بود به عربی ترجمه بشوند را ترجمه می کردند و نهضت ترجمه کتابهای خارجی به زبان عربی در زمان خلفای عباسی از محضر امام جعفر صادق (ع) اقتباس شده بود. (مرکز مطالعات اسلامی استرانبورگ، ترجمه منصوری، 1360 : 276-65)

**ارزیابی تکوینی مواد آموزشی:** در رابطه با ارزیابی تکوینی مواد آموزشی نیز امام صادق (ع) بسیاری از مواد آموزشی و نظریه هایی را که تدریس می شد مورد انتقاد قرار داد و آنها را تصحیح کرد. اولین کسی که به نظریه ی نجومی بطلمیوس ایراد گرفت امام جعفر صادق (ع) در محضر درس پدر بود که گفت نظریه نجومی بطلمیوس از لحاظ عقلانی قابل قبول نیست. طبق نظریه بطلمیوس آفتاب به دور زمین می گشت و تمام دانشمندان و متفکرین مکتب علمی اسکندریه عقیده داشتند که آفتاب در برجهای دوازدهگانه اطراف زمین گردش می نماید ولی عقل آن پسر یازده ساله، در مورد این مساله علمی بیش از عقل علمی تمام دانشمندان مکتب اسکندریه و علمای سایر نقاط جهان بود. امام صادق (ع) گفت اگر قبول کنیم که آفتاب در هر شبانه روز یک مرتبه اطراف زمین می گردد لازمه اش این است که سالی یک بار اطراف زمین در منطقه البروج نگردد و یکی از این دو حرکت از لحاظ عقلانی قابل قبول نیست (مرکز مطالعات اسلامی استرانبورگ، ترجمه منصوری 1360 : 276-65).

و همه آنچه بیان شد گوشه ای است از نظریات امام صادق (ع) برای این که بدانیم برنامه درسی ایشان، همواره با نبوغ و نوآوری همراه بوده است و یک برنامه ثابت و تکراری که اندک فایده ای دارد نبوده است و هر یک از شاگردان ایشان از بزرگان عالم اسلام در همه زمینه های علمی قرار گرفته اند که از جمله می توان نام جابرین حیان پدر علم شیمی را آورد که در زمره دانشمندان بزرگ اسلام است و کتابها و رساله های علمی ایشان در تمام زمینه های علمی موجود می باشد. و ایشان در سنین جوانی (25 تا 30 سالگی) از شاگردان امام و از استادان حوزه درسی امام صادق (ع) می شود (غفاری، جلد اول، 1380: 11).



اجرا و جایگزین کردن برنامه درسی در قالب نظام آموزشی در مکتب امام صادق (ع): امام باقر (ع) و امام صادق (ع) برای ایجاد شرایط اجرای برنامه درسی در ضمن اختلافات سیاسی اموی و عباسی از فرصت استفاده کرده و هزاران نفر را برای تعلیم و تربیت سنت حقیقی رسول خدا آماده نمودند و یک مدرسه عالی را پایه گذاری نمودند. بزرگترین خدمت امام صادق (ع) این بود که مدرسه جعفری را گشود که به نظر می رسد وسیله ای برای اجرای یک برنامه درسی منسجم بر اساس اصل توحید بود و مردم را به احکام و مسائل دین آشنا فرمود و بدین وسیله توانست هزاران دانشمند را تعلیم علم و دانش و فضیلت بدهد و این شاگردان را چنان تربیت نمود که تعلیمات را به همه جای جهان و به همه نسلهای پس از خود دست به دست بسپارند (عمادزاده، 1362).

و تمام آنچه در رابطه با تهیه و تولید مواد آموزشی و ارزیابی آموزشی گفتیم، نشان دهنده این است که ایشان بر تمامی مواد آموزش نظارت و بازنگری داشته است.

#### نتیجه گیری:

بعد از بررسی و تحلیل برنامه درسی امام جعفر صادق (ع) این نتیجه به دست آمد که که برنامه درسی امام صادق (ع) شامل مراحل آماده سازی رئوس برنامه ی درسی (مرحله اول) یعنی هدف ها (بیدار نمودن انسان نسبت به توحید)، محتوا (موضوع های خداشناسی و شناخت تمامی موجوداتی که برای رسیدن به خداشناسی و حکمت الهی در تیررس معرفت بشری هستند)، انتخاب راهبردهای یاددهی - یادگیری (همان روش تعلیم قرآن است که اول جزئیات را شرح داده و از طریق جزئیات به سوی کلیات رفته و برای این طی طریق، شاگردانش را به مشاهده، تجربه و آزمایش و تامل و بازنگری فرا خوانده) می باشد و در مرحله دوم یعنی تهیه و تولید مواد و وسایل آموزشی از لوح و کاغذ استفاده می کردند و در مرحله سوم یعنی اجرای برنامه درسی نیز با توجه به تبحر ایشان در تمامی زمینه های علمی، زمینه اجرای تمام علوم را ایجاد کرده و با تاسیس مدرسه عالی جعفری بیش از چهار هزار شاگرد را چنان تربیت نمود که تعلیمات ایشان را به همه جای جهان و به همه نسل های پس از خود دست به دست بسپارند. و دیگر اینکه علم ایشان غیر از علوم زمان خودش است چرا که ایشان در جواب جابر که از استاد خود پرسید یابن رسول... این علوم و فنون را از کجا تحصیل کردی؟ فرمودند از علم نبوت و از طریق امامت جدم به من به ارث رسیده است. پیشنهاد می شود با دقت و تامل در روایات و احادیث نبوی و ائمه اطهار، رموز علمی موجود در این آثار توسط محققان مسلمان جهان کشف شود. و تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام گیرد.



### فهرست منابع:

- احمدی بیرجندی، احمد، 1379، چهارده اختر تابناک: زندگانی چهارده معصوم (ع)، چاپ سیزدهم، مشهد: آستان قدس رضوی..
- اصفهانى، عماد الدين حسين (عماد زاده)، 1362، زندگانی معلم کبیر حضرت امام جعفر صادق (ع)، (جلد اول، دوم، سوم)، تهران: گنجینه، چاپ دوم.
- براین مگی، ترجمه حسن کامشاد، 1389، سرگذشت فلسفه، چاپ سوم، تهران: نی.
- حاج سید جوادی، احمد صدر؛ فانی، کامران و خرمشاهی، بهاء الدین، 1375، دایره المعارف تشیع، (جلد دوم)، چاپ سوم، تهران: گنجینه .
- حاج سید جوادی، احمد صدر؛ فانی، کامران و خرمشاهی، بهاء الدین، 1383، دایره المعارف تشیع، (جلد دهم)، چاپ سوم، تهران: گنجینه.
- حکیمی، محمد رضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی، 1384، ترجمه: احمد آرام، الحیاء، چاپ ششم، تهران: دلیل ما.
- حسینی میرصفی، فاطمه، 1383، مقاله: امام جعفر(ع) موسس مکتب فقه جعفری، نشریه همشهری، 1383/9/17.
- علامه مجلسی، به قلم: سید جواد سید فاطمی، 1361، ترجمه حدیث توحید مفضل، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- غفاری، محمد هادی، 1380، تحلیلی از زندگی و آثار دانشمندان اسلامی، چاپ اول، گیلان: دانشگاه گیلان.
- فرهنگ خواه، محمدرسول، 1359، دایره المعارف اسلامی، تهران: عطایی، چاپ افست.
- لوی، الف، ترجمه: فریده مشایخ، 1383، مبانی برنامه ریزی آموزشی برنامه ریزی درسی مدارس، چاپ بیست و یکم، تهران: مدرسه.
- مرکز مطالعات اسلامی استرانبورگ، ترجمه و اقتباس: ذبیح الله منصورى، 1360، مغز متفکر جهان شیعه امام جعفر صادق (ع)، چاپ هشتم، تهران: جاویدان.
- موسوی بجنوردی، کاظم، 1380، دایره المعارف بزرگ اسلامی (جلد دهم)، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نجفی نیشابوری، سعید، 1385، نکته های علمی از امام صادق(ع)، نشریه کیهان، 1385/8/28.